

پیگیری



گفت‌وگو: «شهروند» با مادر کمک‌خلبان پرواز آسمان به بهانه پیدا شدن پیکر تنها پسرش نبود کاوه مثل بمب همه چیز را به هم ریخت

می‌ریزد، حالا لحظه‌شماری می‌کند تا پیکر تنها پسرش را برای همیشه به خاک بسپارد تا او و همسرش کمی آرام شوند: «از چشم‌انتظاری و بلا تکلیفی خسته شده بودم، با پیدا شدن کاوه کمی آرام شدم، اما نمی‌دانم باید خوشحال باشم یا ناامید». او در توضیح بیشتر به «شهروند» می‌گوید: «صبح بود که خبر را در یکی از سایت‌ها دیدم، اولش زیاد توجه نکردم، چون در این مدت خبرهای دروغ و اشتباه کم ندیدیم. دیگر بر ایمان عادی شده بود، اما بعد از چند دقیقه چند سایت معتبر هم خبر را منتشر کردند، بعد هم از طرف شرکت آسمان به خانه زنگ زدند. آنها گفتند که جنازه پسر من و خلبان فولادی شناسایی شده است. من سعی کردم موضوع را از همسر مخفی کنم، البته می‌خواستم کم کم او را آماده کنم، چون اصلاح شرایط جسمی و روحی خوبی ندارد. به او گفته بودم که خودش را آماده کند، شاید برای بعد از تعطیلات جنازه کاوه را تحویل دهند و مراسم تشییع برگزار شود. البته همه این لا پوشانی‌ها و نقشه‌های من با اخبار تلویزیونی نقش بر آب شد. همسرم خبر پیدا شدن کاوه را در یکی از شبکه‌های سیمادیده بود.»

اما خانواده کاوه در این مدت خیلی سختی کشید، به خصوص پدر پسرش که اصلا حال‌وروز خوبی ندارد. غم این حادثه پدر کاوه را تکیده و بیمار کرد. آن‌طور که همسرش می‌گوید: «همسرم دیابت داشت و دکتر هیچان و استرس را برای او ممنوع کرده بود. وقتی هواپیمای کاوه سقوط کرد، حال او بدتر شد. داروهایش را مرتب نمی‌خورد، من هم دیگر توان مراقبت قبلی از او را نداشتم. نبود کاوه مثل بمب همه چیز را بهم ریخت. کاوه تنها پسر ما بود. همسرم سال‌ها پیش خانه‌نشین شده بود. کاوه نان آور خانه ما بود، در واقع بعد از مشکل کاری که برای همسرم پیش آمد، کاوه خودش همه هزینه‌های زندگی را بر عهده گرفت. ۳۷ سالش شده بود، اما به خاطر ما ازدواج نکرده بود. هزینه تحصیل خواهرش را هم می‌داد. دخترم ۲۷ سالش است و چندسال است که در خارج از کشور درس می‌خواند. نبود کاوه همه زندگی ما را تحت تأثیر قرار داد. شوهرم بعد از آن حادثه هر روز حالش بدتر شد. بعد از عید با یکی از دوستان پسرم تماس گرفتیم و ماجرا را به او باخبر کردیم. دوست کاوه پزشک آسمان است، وقتی همسرم را معاینه کرد، گفت حالش خوب نیست. فردای آن روز به بیمارستان رفتم و ۱۱ روز در سی‌سی‌یوستری شد. دور قلب و ریه‌اش آب جمع شده و به خاطر دیابت‌ها متوجه مشکل کلیوی پیدا کرده بود. خودم اصلا حال‌وروز خوبی ندارم، واقعا به یک روانشناس نیاز دارم تا با او صحبت کنم. داغ کاوه واقعا برای ما سنگین بود.»

خودکشی قاتل «طناب سفید» در زندان قصر



۴۲ سال پیش در چنین روزی مجید سالک در زندان قصر خودکشی کرد. این قاتل در سال‌های ۵۹ تا ۶۲ پیش از ۳۰ زن و کودک را به قتل رسانده بود. او بیشتر قربانیانش را از بین زن‌های شوهردار انتخاب و آنها را با طناب سفید رنگی خفه می‌کرد. به همین دلیل او به قاتل طناب سفید معروف شد. شهرداری، ژاندارمری و کمیته آن زمان در مدت زمان کوتاهی با تعداد زیادی جسد زن در تهران و سایر شهرستان‌ها مواجه شدند که بیشتر آنها شبیه هم به قتل رسیده بودند. مأموران سال‌ها دنبال سر نخ‌های برای رمزگشایی از این جنایت‌های زنجیرهای بودند که در نهایت خواهر آخرین قربانی سر نخ‌های خودرویی قاتل به مأموران داد. در نهایت مجید سالک در حوالی میدان بهارستان سوار بر شورت سبزی از سی‌سی‌یوستری دستگیر شد و به جنایت‌های متعددی اعتراف کرد. مجید در جلسات اولیه بازجویی انگیزه‌اش از ارتکاب به این جنایت‌ها را خیانت همسرش عنوان کرد. در

دختر هفده ساله جان یازده نفر را نجات داد



گزارش «شهروند» از روند عملیات امدادگران هلال احمر برای پیدا کردن اجساد قربانیان هواپیمای آسمان

جانفشانی در دنا ادامه دارد

محمد عزیزمنش یکی از امدادگرانی است که از همان روزهای نخست با دلسوزی و تنها با هدف تسکین دل خانواده‌های داغ‌دیده، در دل کوه به جست‌وجو پرداخته است. او که همچنان با اکیپ‌های مختلف امدادی به محل حادثه می‌رود، در رابطه با روند این ماموریت‌ها به خبرنگار «شهروند» می‌گوید: «از همان روزهای نخست خودم به محل حادثه رفتم. وضع خیلی وحشتناکی بود. برف و بوران می‌آمد و هوا خیلی سرد بود. خود من دو بار با اکیپ‌های ۳۰ نفره به محل حادثه رفتم و شب را در آن جا ماندیم. خیلی سخت بود. واقعا زنده ماندنمان معجزه بود. ولی با جان‌ودل این کار را انجام دادیم. می‌خواستیم در این وضع دردناک خانواده‌های داغ‌دیده، تسکینی باشیم بر دلشان؛ هیچ سختی‌ای ما را از ماموریت‌هایمان منع نکرد. اما دیگر اواخر اسفندماه امکان ورود به آن منطقه وجود نداشت، برای همین عملیات تا اواسط فروردین ماه متوقف شد. بعد از تعطیلات نوروز بود که دوباره عملیات‌ها آغاز شد، تا الان هم ادامه دارد. هر روز اکیپ‌های مختلف امدادی به همراه چند نفر از اهالی محل که خودشان داوطلب می‌شوند، به محل حادثه می‌روند و جست‌وجو می‌کنند. شاید همه فکر کنند حالا که دیگر زمستان نیست و برف نمی‌آید، ماموریت‌ها و عملیات‌ها راحت‌تر شده است، اما اصلا این‌طور نیست. آن زمان برف‌ها پودر بود و راحت‌تر می‌شد با بیل آنها را کنار زد. اما حالا برف‌ها یخ‌زده و کنار زدن آنها بسیار سخت‌تر از گذشته شده است. هوا هم که همچنان سرد است و امدادگران با سختی بسیار زیاد جست‌وجو می‌کنند. بیشتر اجساد که پیدا شده، تکه‌تکه‌اند، دو هفته پیش بود که سه جسد سالم پیدا کردیم و آن را به پزشکی قانونی تحویل دادیم. هفته گذشته هم که جسد خلبان و کمک‌خلبان را پیدا کردیم.» او در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به تلاش

شهروند | ۱۰۵ روز از آغاز عملیات سخت در ارتفاعات ۴ هزارمتری قله دنا می‌گذرد. ماموریت‌های خطرناکی که در دل برف و سرما از سوی امدادگران پر تلاش اجرا می‌شود. ۲۹ بهمن ماه، آن یکشنبه عم‌انگیز ۶۶ خانواده را داغدار کرد و امدادگران کل کشور را به صحنه حادثه در دناک کشاند. برف و یخبندان، مسیر سخت و صعب‌العبور و خطر جانی هیچ‌کدام نتوانست امدادگران داوطلب کشورمان را از اجرای ماموریت و جست‌وجوهای خطرناک در دل کوه منصرف کند. از آن یکشنبه تلخ هر روز اکیپ‌های هلال احمر با سختی زیاد وارد محل شدند و هر بار با دست‌های خودشان تکه‌تکه اجساد و لاشه هواپیمای پیدا کرده و به خانواده‌های تحویل دادند. حالا ۱۰۵ روز از آن حادثه دلخراش می‌گذرد و همچنان این ماموریت‌ها ادامه دارد. نه تنها آسان‌تر نشده، بلکه امدادگران با سختی‌های بیشتری در دل کوه به جست‌وجو می‌پردازند.

سرسختانه امدادگران هلال احمر می‌گویند: «از همان روزهای نخست خانواده‌ها تقریبا قانع شدند که جست‌وجو در محل حادثه بسیار سخت است، برای همین عملیات با کنده‌ی پیش می‌رود. با این حال، هر روز اکیپ‌های امدادگران با الگردد به محل حادثه می‌روند. تقریبا در هفته ۵۰ تا ۶۰ امدادگر به محل حادثه می‌روند و با سختی بسیار و با دستان خودشان جست‌وجو را ادامه می‌دهند. هنوز دو جسد دیگر و تکه‌های دیگر هواپیمای پیدا نشده است، برای همین تلاش‌ها ادامه دارد. امدادگران استان‌های دیگر نیز هر بار داوطلب بودن خود را برای عملیات به ما اعلام می‌کنند. با هماهنگی و برنامه‌ریزی هر بار اکیپ‌های از یک استان می‌آیند و بعد از مشخص شدن آب‌وهوای منطقه به آن‌جا می‌روند. ما تا آخرین لحظه و پیدا شدن آخرین بقایای ماموریت‌ها را اجرا می‌کنیم و قرار نیست که کار متوقف شود. تنها توصیه ما این است که اهالی و مردم عادی تنهایی به محل حادثه نروند و جان خود را به خطر نیندازند، چرا که این کار تخصصی است و فقط از عهده امدادگرانی باتجربه برمی‌آید. کسانی که بتوانند دو سه شب را در دل سرما بمانند و آن‌جا بخواهند. خوشبختانه در این مدت هم اتفاق خطرناکی برای امدادگران و مردم عادی در محل حادثه رخ نداده است، فقط پای یکی از امدادگران پیچ خورده و آسیب جزئی دیده بود.»

محبیطز بست هم باید به منطقه ورود پیدا کند

هاشم کاشفی، نیروی عملیاتی و سرپرست تیم اعزامی از استان فارس هم در مورد اقدامات جدید هلال احمر در قله‌های دنا جزئیات بیشتری مطرح می‌کند و می‌گوید: «ما دوباره دوشنبه

گزارش «شهروند» از روند عملیات امدادگران هلال احمر برای پیدا کردن اجساد قربانیان هواپیمای آسمان

جانفشانی در دنا ادامه دارد

محمد عزیزمنش یکی از امدادگرانی است که از همان روزهای نخست با دلسوزی و تنها با هدف تسکین دل خانواده‌های داغ‌دیده، در دل کوه به جست‌وجو پرداخته است. او که همچنان با اکیپ‌های مختلف امدادی به محل حادثه می‌رود، در رابطه با روند این ماموریت‌ها به خبرنگار «شهروند» می‌گوید: «از همان روزهای نخست خودم به محل حادثه رفتم. وضع خیلی وحشتناکی بود. برف و بوران می‌آمد و هوا خیلی سرد بود. خود من دو بار با اکیپ‌های ۳۰ نفره به محل حادثه رفتم و شب را در آن جا ماندیم. خیلی سخت بود. واقعا زنده ماندنمان معجزه بود. ولی با جان‌ودل این کار را انجام دادیم. می‌خواستیم در این وضع دردناک خانواده‌های داغ‌دیده، تسکینی باشیم بر دلشان؛ هیچ سختی‌ای ما را از ماموریت‌هایمان منع نکرد. اما دیگر اواخر اسفندماه امکان ورود به آن منطقه وجود نداشت، برای همین عملیات تا اواسط فروردین ماه متوقف شد. بعد از تعطیلات نوروز بود که دوباره عملیات‌ها آغاز شد، تا الان هم ادامه دارد. هر روز اکیپ‌های مختلف امدادی به همراه چند نفر از اهالی محل که خودشان داوطلب می‌شوند، به محل حادثه می‌روند و جست‌وجو می‌کنند. شاید همه فکر کنند حالا که دیگر زمستان نیست و برف نمی‌آید، ماموریت‌ها و عملیات‌ها راحت‌تر شده است، اما اصلا این‌طور نیست. آن زمان برف‌ها پودر بود و راحت‌تر می‌شد با بیل آنها را کنار زد. اما حالا برف‌ها یخ‌زده و کنار زدن آنها بسیار سخت‌تر از گذشته شده است. هوا هم که همچنان سرد است و امدادگران با سختی بسیار زیاد جست‌وجو می‌کنند. بیشتر اجساد که پیدا شده، تکه‌تکه‌اند، دو هفته پیش بود که سه جسد سالم پیدا کردیم و آن را به پزشکی قانونی تحویل دادیم. هفته گذشته هم که جسد خلبان و کمک‌خلبان را پیدا کردیم.» او در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به تلاش

دردار که به خاطر حجم برف هنوز تفحص نشده‌اند. در حال حاضر نیز ۲۵ کوهنورد و ۲۵ نیروی امدادی در منطقه حضور دارند و ماموریتشان را ادامه می‌دهند.»

کودک همدانی به علت نوشیدن بنزین جان باخت

دختر ۱۵ ماهه ساکن یکی از مناطق شهر همدان به علت نوشیدن بنزین جان خود را از دست داد. بر اساس گفته نزدیکان، این اتفاق زمانی رخ داده است که اعضای خانواده برای انجام نقاشی ساختمان، یک لیوان حاوی بنزین را در داخل خانه قرار داده بودند. اعضای خانواده، این کودک ۱۵ ماهه را به یکی از بیمارستان‌های شهر همدان منتقل می‌کنند، اما با وجود تلاش‌های صورت گرفته، این دختر جان خود را از دست می‌دهد. طبق کالبدشکافی صورت گرفته، ورود بنزین به ریه‌های این کودک موجب مرگ او شده است. این دختر خردسال پس از نوشیدن بنزین استفراغ کرده و این کار موجب ورود بنزین به ریه‌ها و مرگ او می‌شود.

کودک ربایی به دلیل درگیری طایفه‌ای

کودک ۴ ساله که به‌علت درگیری‌های طایفه‌ای در شهرستان آزادشهر ربوده شده بود، با تلاش مأموران انتظامی سالم از دست آدم‌ربانان نجات یافت. مردی ۳۴ ساله به پلیس آگاهی شهرستان آزادشهر مراجعه و اعلام کرد افرادی ناشناس با سر و صورتی بسته پسر ۴ ساله‌ام را از داخل خودرو ربودند و متواری شدند. بررسی‌های مقدماتی پلیس آگاهی نشان داد چند روز پیش بین دو طایفه بر سر اختلافات قومی و قبیله‌ای درگیری و نزاعی صورت گرفت که شاکای عضو یکی از آن طایفه‌ها بوده است. با ادامه تحقیقات و تنگ کردن عرصه پسر آدم‌ربانان، محل اختفای کودک ۴ ساله شناسایی شد و مأموران موفق به آزادی کودک از چنگال آدم‌ربانان شدند.

سازش در ۳ پرونده کیفری

۳ فقره پرونده کیفری با تلاش اعضای شعبات اول و چهارم شورای حل اختلاف بخش رودهن به سازش رسید. یک فقره پرونده با موضوع استرداد جهیزیه و یک پرونده با موضوع تهدید با سلاح گرم که متهم به یک سال زندان محکوم شده بود و یک پرونده کیفری دیگر در شعبه اول شورای حل اختلاف بخش رودهن استان تهران به سازش رسید و محکوم زندانی از تحمل یک سال حبس رهایی یافت. همچنین در خصوص یک پرونده با موضوع فحاشی و ضرب و شتم در شعبه چهارم و یک فقره پرونده با موضوع درگیری در شعبه سوم شورای حل اختلاف بخش شریف‌آباد استان تهران، اعضا پس از اصلاح ذات‌البین در خصوص آنها گزارش اصلاحی صادر کردند.